

فرهنگ

عمومی

مشارکت اجتماعی و نقش آن در وفاق اجتماعی

دکتر محمد اسماعیل انصاری

ویژگی های مشارکت

۱- مشارکت مشروط به برابری انسانها و منوط به آزادی آنهاست. در یک نظام مشارکتی فرض بر این است که مردم باید فرصت مناسب برای تاثیرگذاری بر سیاستها و به دست آوردن مشاغل عمومی را داشته باشند و دولت نیز باید امکان رقابت را بر اساس شایستگی افراد مهیا کند.

۲- مشارکت حق مردم است و بیش از هر چیز نیازمند اقدام آگاهانه آنهاست. مشارکت امری تحمیلی یا دعوتی نیست بلکه نوعی توان بخشی به گروههای ضعیف توأم با قدرت فراگیری به آنها می باشد و یا این که در مقابله با مشکلات خود نقش داشته باشند، چنین مشارکتی نه فرمایشی است و نه وضع کردنی بلکه باید آن را به دست آورد، یعنی امتیازی نیست که حکومت به اتباع خویش می دهد. بلکه حقیقی است که باید از آن استفاده کند.

۳- مشارکت یک فرایند است با محصول ثابت و نهایی توسعه.

۴- مشارکت فعالیتی کمی و کیفی و دارای درجاتی است و لذا گستره و ژرفای آن متغیر و در عین حال مهم می باشد، وسعت مشارکت بدون عمق کافی آن را سطحی و آسیب پذیر می گرداند و عمق بدون وسعت مشارکت نمی شود.

۵- مشارکت دارای پیامدهای دو سویه است و چنان چه بنا باشد موثر واقع گردد، مستلزم تغییراتی بنیانی در اندیشه و عمل

از طریق تامین مشارکت مردم در امور مربوط به خود، قوه ابتکار و ابداع مردم تقویت شده و به نحو احسن مورد استفاده قرار خواهد گرفت. مردم به شکل واقعی و ملموس با امور اجرایی برخورد نموده و از این رو شکایت آنان از دستگاههای دولتی، دولت های محلی و نیز تعارض منافعشان رو به کاهش خواهد گذاشت.

مفهوم مشارکت

مشارکت از نظر لغوی به معنی «شرکت کردن» است. مشارکت، نوعی رفتار با مردم است که آنان را قادر می سازد تا بر حوادث موثر بر زندگیشان تاثیر قاطع بگذارند. به همین خاطر باید از آزادی کامل و از جمله حق اظهار نظر برخوردار باشند و دارای اهمیت و ارزش تلقی شوند.

«آلن پیرفیت» (A. peyrefitte) در دیباچه اثر «دسته جمعی و مشارکت چیست؟» می نویسد: «مشارکت مورد مشورت قرار گرفتن قبل از تصمیم گیری را گویند به نحوی که اظهار نظر شخصی و اعمال مراقبت در جریان اجرایی این تصمیم و تحول نتایج آن امکان داشته باشد».

یک قرن و اندی سال پیش «استوارت میل» نوشت: تنها حکومتی می تواند جوابگوی همه ضرورت های دولت اجتماعی باشد که همه افراد ملت با آن مشارکت داشته باشند.

توسعه ملی در کشورهای جهان سوم بیش از هر چیز به مشارکت فعال و وفاق اجتماعی موثر افراد جامعه وابسته است. فقدان این مشارکت و وفاق اجتماعی زمینه برخورد و اختلاف و تضاد را در میان عملکرد بخش های مختلف (خصوصی و عمومی) جامعه فراهم می آورد و بخش اعظم منابع کمیاب کشور صرف مقابله با عوارض نامطلوب این برخوردها می گردد. از این رو نگرش برنامه ریزان و خط مش تدوین کنندگان در آستانه ورود به قرن بیست و یکم باید معطوف به افزایش نقش مشارکت های مردمی در فرایند توسعه و به ویژه در زمینه های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی باشد.

تقویت ارگانها و سازمان های محلی در حالت عدم تمرکز، یکی از شیوه های مهم افزایش مشارکت و وفاق اجتماعی در مسایل اجتماعی، اداری، عمرانی و سیاسی می باشد. تدوین استراتژی های مبتنی بر سازماندهی مردمی در رابطه با سیاستها و خط مشی هایی که در جهت کسب حداکثر مشارکت مردم تنظیم می گردند، از اهمیت و ضرورت خاص برخوردار است. البته باید اشاره کرد که سیاست های مشارکتی، به خودی خود، بدون همراهی با سیاست هایی که در جهت برقراری تساوی و عدالت اقتصادی مطرح می شوند، قادر نخواهد بود تاثیری مثبت بر مطلوبیت و کارایی ارگانها و نهادها در جامعه داشته باشد.

○ دموکراسی سیاسی با غیبت دموکراسی اقتصادی ناسازگار است. نمی توان یک شهروند را دارای رشد کافی برای دموکراسی سیاسی قلمداد کرد و در عین حال حقوق دموکراتیک او را در زمینه اقتصادی منکر شد.

در سال ۱۹۷۹ حدود ۵۴/۲ درصد از کارگران ژاپن از طریق رایه پیشنهاد به دولت در اجرای برنامه‌ها مشارکت داشته‌اند

که از این تعداد پیشنهاد ۶۰/۷ درصد آن از سوی دولت اجرا شده است.

است که باید از درون جامعه بجوشد و در قالب‌های پایدار و مقبول جامعه و دولت تبلور یابد. ایده‌های مربوط به مشارکت یک نقطه مشترک دارد و آن اهمیت دادن به نقش و نظر مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و دسترسی آنان به منافع قدرت است.

تجارب مشارکت در بعضی کشورها

ژاپن پس از جنگ جهانی دوم سیستم پیشنهادات را در سطوح وسیعی از کارخانجات ژاپنی به کار گرفت. این فعالیت‌ها دائماً رو به افزایش گذاشته و مخصوصاً پس از بحران‌های نفتی و اقتصادی سال‌های ۱۹۷۰ بسیار زیاده‌تر شده است. طبق بررسی‌هایی که در سال ۱۹۸۰ در مورد ۴۵۳ شرکت ژاپنی به عمل آمده، در مدت یک سال بالغ بر ۲۳/۵ میلیون پیشنهاد از کارگران دریافت شده است. این رقم برای بسیاری از ناظران باورنکردنی است. در بررسی‌هایی که در سال ۱۹۷۹ صورت گرفته است، ۵۴/۲ درصد از کارکنان از طریق این سیستم مشارکت داشته‌اند و معدل پیشنهادات اجرا شده ۶۰/۷ درصد بوده است. شاید شگفتی آور بنماید ولی حقیقت این است که مشارکت به صورتی باورنکردنی بر قدرت مدیران و کارکنان افزوده و انگیزش را نیرومند ساخته است.

یکی از مهم‌ترین و با ارزش‌ترین جنبه‌های مشارکت این است که علاوه بر تشویق به حداکثر تلاش و کوشش، نیروی ابتکار،

خلاقیت و سازندگی آنان را شکوفا می‌کند. شوق به انجام کار گروهی و مسوولانه افراد را وادار می‌کند که برای هر مشکلی بهترین و عملی‌ترین راه حل‌ها را پیدا کند و در شرایط خاص مدیریت را دوست همفکر و همکار صمیمی گروه به حساب آورند و دوشادوش او فعالانه تلاش و همکاری کند.

حاصل تحقیقات و تجربیات پژوهشگران دلالت بر آن دارد که مشارکت سبب افزایش بازدهی، بالا رفتن کیفیت، کاهش تعارض و کاهش مقاومت‌های منفی نظیر: غیبت، تاخیر و کم کاری و افزایش درآمد خواهد شد. (۸)

اهداف معنوی (اخلاقی) مشارکت

در بافت معنوی یا اخلاقی، منظور از طرح مسأله مشارکت در تصمیم‌گیری آن است که پیشرفت فردی و کوشش فرد بر طبق مفهومی از حقوق بشر و شأن و مقامی که برای آن قائل شده است رواج داده شود.

در اعلامیه ۱۹۴۸ حقوق بشر آمده است: تمام افراد بشر آزاد به دنیا آمده‌اند و از لحاظ شأن، مقام و حقوق خود با هم مساویند. افراد بشر از موهبت عقل و وجدان برخوردارند و شایسته است که نسبت به همدیگر با روح برادری برخورد نمایند. (ماده ۱) هر کس به عنوان عضوی از جامعه مستحق کسب حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که لازمه شأن و مقام و رشد

شخصیت آدمی است، می‌باشد. (۶)

اهداف سیاسی، اجتماعی مشارکت و نقش آن در وفاق اجتماعی

در زمان انتخابات، شرکت کنندگان در برنامه‌های رادیو و تلویزیون بر اهمیت رای هر شهروند در اداره امور عمومی تاکید می‌ورزند، اما باید خاطر نشان ساخت که دموکراسی سیاسی با غیبت دموکراسی اقتصادی ناسازگار است. یک شهروند را نمی‌توان فردی با رشد کافی برای دموکراسی سیاسی قلمداد کرد و در عین حال حقوق دموکراتیک وی را در زندگی اقتصادی او انکار کرد.

اهداف اقتصادی مشارکت

مردم از طریق مشارکت در تصمیمات، بهتر می‌توانند از دانش، تجربه، فراست و بصیرت آنهایی که کار را عرضه می‌کنند، با توجه به بهبود روش‌ها در جهت بهبود و گسترش روابط کار در سازمان‌ها و جامعه، مفید فایده باشند، زیرا:

- ۱- امکان کمک به کار و استفاده بهتر از منابع را فراهم می‌آورد.
- ۲- نظرات و اندیشه‌های مختلف مورد بحث و نقد قرار گیرد
- ۳- مردم تصمیماتی را که خود در اتخاذ آن شرکت داشته باشند بهتر می‌پذیرند.
- ۴- مردم در اتخاذ تصمیماتی که در

وضعیت آن‌ها تاثیر مثبت می‌گذارد، مشارکت بیشتری خواهند کرد.
۵ - مشارکت مردم در امور عامل تحرک در کارایی مدیریت خواهد شد.

در چه موقعی مشارکت به وفاق اجتماعی می‌انجامد؟

این‌که چه وقت مشارکت باید ترغیب شود و اینکه اثر همکاری و سازگاری آن کدامند، در یافته‌های زیر یادآوری می‌شوند:

۱ - در موارد بسیاری مجریان و مدیران اغلب از مفهوم مشارکت آگراه دارند و بر این باورند که ناموجه است، مثلاً بررسی اخیری از مدیران اجرایی بازرگانی نشان داد که اغلب آنان (۷۹ درصد) احساس می‌کنند که اعضای مدیریت سطح بالا بهتر از هر کس دیگر مسایل را می‌دانند و حق دارند آن گونه که صلاح می‌بینند به اتخاذ تصمیمات سازمانی بپردازند.

۲ - مطالب قابل توجهی در اختیار است که نشان می‌دهد زیر دستان از مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری لذت می‌برند. مردم مایلند در تصمیماتی که از نظر آنان حائز اهمیت است سهمی داشته باشند و این مشارکت اغلب تعهد نسبت به تصمیم‌گیری و پذیرش آن را افزایش می‌دهد. بدین سان، انگیزش و خشنودی می‌توانند به گونه‌ای مثبت تحت تاثیر قرار گیرند.

۳ - تاثیر مثبت مشارکت حدودی دارد. تصمیمات باید از دیدگاه مشارکت کنندگان مهم و مربوط تلقی شوند. مساعدت‌های آنان باید به راستی مورد توجه قرار بگیرد، تصمیمات باید در زمینه‌هایی باشند که مشارکت کنندگان در آن تبحر دارند. اغلب مردم نمی‌خواهند در هر تصمیمی شرکت داشته باشند، به ویژه در تصمیماتی که برایشان اهمیتی ندارند یا در مورد آن‌ها چیزی نمی‌دانند، لیکن اگر مساعدتی به عمل بیاورند می‌خواهند مساعدت آنان جدی گرفته شود.

ساز و کارهای دستیابی به مشارکت

۱ - دخالت دادن در فرایند تصمیم‌گیری لازم است به مردم فرصت مشارکت در تنظیم اهداف و استراتژی‌های مناسب برای بهبود مداوم داده شود.

۲ - مجهز کردن مردم به دانش‌ها و مهارت‌های مورد نیاز
از آنجایی که منابع انسانی بزرگ‌ترین سرمایه

○ در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و

توسعه نیافته این باور که

تصمیمات سیاسی در خارج از مرزها گرفته

می‌شود مانع حضور جدی مردم در عرصه

مشارکت است.

د - مشارکت در زمینه روانی به صورت همدلی و تحرک روانی جلوه می‌کند.

عناصر (ارکان) اساسی مشارکت

بر طبق گزارش تحقیقی موسسه تحقیقات اجتماعی سازمان ملل، مشارکت در بردارنده سه عنصر اصلی است:

۱ - سهم شدن در قدرت.

۲ - کوشش‌های سنجیده گروه‌های اجتماعی برای در دست گرفتن سرنوشت و بهبود اوضاع زندگی.

۳ - ایجاد فرصت‌هایی برای گروه‌های فرودست. (۱۰)

عناصر تقویت کننده مشارکت (وفاق اجتماعی)

یکی از عوامل مهمی که با مشارکت همبستگی زیادی دارد، نظام آموزشی و امر تعلیم و تربیت می‌باشد؛ زیرا این نهاد دارای کارکردهایی هم چون ایجاد و افزایش حس وظیفه شهروندی، شیفنگی، علاقه و مسئولیت سیاسی می‌باشد و نیز باعث افزایش ویژگی‌های شخصیتی مثل اعتماد به نفس، احساس برتری، نظم و شکل فکری می‌گردد.

موانع مشارکت

مشارکت به عنوان فرایند قدرت گرفتن نوعی گذر از حکومت‌های سنتی است. لذا هم با دشواری‌هایی روبرو است و هم تصور این که دولت‌ها و سازمان‌های تثبیت شده محلی، بخشی از قدرت و اختیاراتشان را به دیگران واگذار کنند، کمی مشکل به نظر می‌رسد. مشارکت به عنوان روند کسب قدرت، ناگزیر ساختارهای بوروکراتیک

برای هر سازمانی می‌باشد، لازم است در زمینه آموزش سرمایه گذاری شود. اعطای قدرت و اختیار به کارکنانی که دانش و تخصص لازم برای حل مسایل و انجام تصمیم‌گیری‌های را ندارند، هدایت کردن آن‌ها به سوی انجام اشتباهات است.

۳ - به وجود آوردن اهداف فردی و سازمانی

کارکنان معمولاً از اهدافی حمایت می‌کنند که قادر به درک آن باشند، به منظور مشارکت داشتن کارکنان لازم است اهداف کوتاه مدت و بلند مدت سازمان به صورت ساده و قابل فهم تبیین شود.

اهمیت مشارکت در فرایند نوسازی جامعه

«دانیل لرنر» در مطالعه‌ای که در سال ۱۹۵۲ در مورد شش کشور خاورمیانه از جمله ایران انجام داد، بین شهرنشینی - سواد، میزان مشارکت و دسترسی به رسانه‌ها ارتباط نزدیک یافت. سه متغیر میزان شهرنشینی، سواد و دسترسی به رسانه‌ها مشکل است با وجود این، اهمیت آن در جریان نوسازی جامعه اساسی است. به عقیده لرنر جامعه جدید مشارکتی است. فراگرد نوسازی حرکت از جامعه سنتی به طرف جامعه مشارکت جو می‌باشد.

مصادیق مختلف مشارکت

الف - مشارکت در زمینه سیاسی به صورت شرکت در انتخابات.

ب - مشارکت در زمینه اقتصادی به صورت فعالیت در بازار و افزایش درآمد.

ج - مشارکت در زمینه روانی به صورت استفاده از رسانه‌ها.

○ مشارکت به عنوان روند کسب قدرت (مردم)
 ناگزیر ساختارهای بوروکراتیک را به مبارزه
 می‌طلبد بنابراین طبیعی است که
 این ساختارها به اصلی‌ترین موانع بر سر راه
 مشارکت سیاسی تبدیل شوند.



مشارکت [در امور اجتماعی و سیاسی] مشروط به برابری انسان‌ها و منوط به آزادی آنهاست.

نتیجه‌گیری

موجود را به مبارزه می‌طلبد، بنابراین طبیعی است اگر این ساختارها به یکی از اصلی‌ترین موانع بر سر راه مشارکت (سیاسی) تبدیل شوند.

در کشورهای جهان سوم، دو مانع بزرگ در سر راه مشارکت مردم با حکومت‌ها وجود دارد:

نخست شکاف بسیار عمیقی که میان نخبگان و توده مردم وجود دارد به نحوی که در پاره‌ای این جوامع بیش از ۹۰ درصد از جمعیت به کلی فاقد هرگونه آگاهی و حتی تصویری از شیوه زندگی ۱ تا ۲ درصد هم وطنان خود است. این امر ناشی از ساخت این جوامع است.

دوم، وابستگی سیاسی و اقتصادی این جوامع به جهان استعمارگر است که منشا این اعتقاد عمومی است که تصمیم‌های اساسی در خارج گرفته می‌شود و آن چه به صورت فراگرد مشورت تجلی می‌کند در واقع چیزی جز فراگرد تصمیم‌گیری نیست. در این جوامع قسمت عمده‌ای از جمعیت به لحاظ شرایط فرهنگی و اجتماعی خاص خویش که فاقد پژوهش و آگاهی‌اند، قادر به مشارکت فعال در ساختمان جامعه نیستند؛ هدف‌ها برایشان دور و وسایل رسیدن به آن چنان غیر ملموس است که هیچ انگیزه‌ای میل به مشارکت را در آنها ایجاد نمی‌کند.

آگاه ساختن مردم بر اساس مشارکت آنها در یک کار دسته جمعی، آگاه نمودن برای ایجاد انگیزه، آگاه نمودن برای درک عمل، آگاه نمودن به منظور احترام و اعتنا به شخصیت افراد و ایجاد مسوولیت در آنها است.

منابع

- ۱- هربرت مارکوزه، آزادی و قدرت قانون، عزت ا... فولادوند، تهران: خوارزمی
- ۲- نیک گهر، عبدالحسین (۱۳۵۳)، «مشارکت، مفاهیم و شناخت انواع» محله دانشکده شماره ۵
- ۳- هانتینگتون، ساموئل، موج سوم دموکراسی، احمد شهسا، تهران: روزنه
- ۴- بیتراولکی و دیوید مارسون، رهیافت‌های مشارکت در توسعه روستایی. منصور محمد نژاد
- ۵- کیت دیویس، جان، نیوارستورم (۱۳۷۰) رفتار انسانی در کار، محمد علی طوسی، مرکز آموزش مدیریت دولتی
- ۶- فرزام، (۱۳۶۲)، مشارکت کارگران در تصمیم‌گیریهای داخلی کارگاه، موسسه کار و تامین اجتماعی
 7-A.S.Tannenbaum. Control In Organization Newyork Mc Grawhill. 1968
- ۸- ترنس آرمیچل (۱۳۷۳)، مردم در سازمان‌ها، حسین شکرکن، تهران: انتشارات رشد
- ۹- محسنی تبریزی، علی رضا. بررسی مجامع مشورتی ائمه جماعات و معتمدین محل در مناطق شهر تهران.
- ۱۰- موسسه تحقیقاتی توسعه اجتماعی سازمان ملل ۱۹۸۲
- ۱۱- انصاری، محمد اسماعیل (۱۳۷۵)، بازشناسی و پیش‌نیازهای مدیریت مشارکتی و نظام اداری. فصل‌نامه علمی کاربردی، مرکز آموزش مدیریت دولتی شماره ۳۳ و ۳۴
- ۱۲- میرسپاسی، ناصر (۱۳۵۳)، نظام مشارکتی، مجله کنترلر، شماره ۵۳

تجربیات کشورهای مختلف نشان می‌دهد کشورهایایی که در زمینه تامین مشارکت مردم موفق بوده‌اند، عمدتاً موفقیت خود را مدیون ایجاد نوعی ارگان محلی (دولت محلی) با اقتدار بالنسبه زیاد می‌دانند. این ارگان‌های محلی، از نظر سازماندهی و سلسله مراتب تا بالاترین سطوح و به شکل زنجیره‌ای پیوسته ادامه داشته و وظایف و تکالیف هر یک از سطوح به دقت تعیین شده است. به عبارت دیگر کل از بالا تا پایین ارتباطی ارگانیکی با یکدیگر داشته و از ساختی مرتبط برخوردار می‌باشند.

تدوین منطقی در جهت تامین و جلب مشارکت مردم در محیط اجتماعی - اقتصادی بوروکراتیک و ضرورتی است آشکار. برای تامین مردم مجموعه سیستم و نظام حاکم باید مشارکت‌پذیر باشد، در غیر این صورت آفات سیستم ضد مشارکت، به تدریج زمینه‌های تحقق امر مشارکت را نیز از میان برخواهد داشت.

عمده‌ترین عامل تامین مشارکت، آگاهی و علاقه مردم و حاکمیت و فرهنگ تعلیم و همیاری در جامعه است. تا زمانی که نتوان مردم را به این باور و یقین کشاند که با مشارکت، تعاون و همیاری، می‌توان به جامعه‌ای مرفه‌تر و سعادت‌مندتر دست یافت و تا زمانی که نتوان فرهنگ خود محوری و خودپسندی را در جامعه از میان برداشت، تامین مشارکت مردم امکان‌پذیر نخواهد بود.